

کنفرانس بین‌المللی «روابط تاریخی ایران و دشت قبچاق در قرون ۱۳ تا ۱۸ م» در آلمانی پایتخت قزاقستان تشکیل گردید و هیأتی از جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۸۱/۱۲/۱۶ عازم این کشور گردید. پیش از آغاز کنفرانس جلساتی مقدماتی برای هماهنگی بیشتر در برگزاری این کنفرانس تشکیل گردید.

شرکت‌کنندگان رسمی این کنفرانس ۱۵ نفر از قزاقستان، ۵ نفر از جمهوری اسلامی ایران، ۲ نفر از ازبکستان، ۳ نفر از روسیه، ۲ نفر از قرقیزستان، یک نفر از ارمنستان، یک نفر از فرانسه و یک نفر از ژاپن عنوان شدند؛ ضمن این که شرکت ۱۵ محقق چینی و ۲ محقق ایغوری نیز که پیش از این قرار بود در این کنفرانس شرکت نمایند، به دلیل عدم تطابق موضوعات آنان با اهداف کلی برگزاری این سمینار و همچنین مشکل تأمین هزینه سفر نامبردگان منتفی اعلام شد.

کنفرانس «روابط تاریخی ایران و دشت قبچاق در قرون ۱۳ تا ۱۸ میلادی» رأس ساعت ۱۰ صبح روز سه‌شنبه ۸۱/۱۲/۲۰ در محل آکادمی علوم جمهوری قزاقستان با حضور قابل توجه مدعوین، اساتید و دانشجویان آکادمی مزبور و دانشگاه‌های قزاقستان آغاز به کار کرد. در آغاز مراسم افتتاحیه کنفرانس آقای کوچائف، معاون آکادمی علوم جمهوری قزاقستان، به نمایندگی از ریاست این آکادمی ضمن خوشامدگویی به مقامات و حضار و تشکر از برگزارکنندگان این سمینار، برگزاری چنین کنفرانسهایی را برای بازخوانی و شناخت تاریخ کهن قزاق‌ها و همچنین تعمیق و گسترش روابط این کشور با کشورهای مهم منطقه نظیر جمهوری اسلامی ایران بسیار مفید ارزیابی نموده و پیشنهاد کرد که برگزاری سمینارهایی از این دست در دستور کار مراکز فرهنگی قزاقستان قرار گیرد.

سپس آقای مرتضی صفاری، سفیر جمهوری اسلامی ایران در آلماتی، نیز طی سخنانی ضمن مرور تاریخ روابط دو کشور، به تأثیر متقابل فرهنگ دو ملت و حضور قبچاقیان در تاریخ فرهنگ و هنر ایران و تأثیر متقابل زبان فارسی و زبان ترکی و قزاقی پرداختند و این پیشینه فراخ و دیرینگی روابط را در گسترش مناسبات دو کشور در زمینه‌های مختلف در دنیای امروز بسیار ارزنده خواندند.

در ادامه خانم مروارید ابوسعیدوا، مدیر انستیتو خاورشناسی جمهوری قزاقستان، نیز ضمن خوشامدگویی و تشکر از حاضران، اجتماع این تعداد از صاحب‌نظران و پژوهشگران برجسته منطقه آسیای مرکزی را در این کنفرانس قابل توجه خواند و آن را گامی مهم در شناسایی تاریخ اقوام کهن قزاق یعنی قبچاق‌ها و تعمیق و گسترش روابط با کشور دوست جمهوری اسلامی ایران عنوان کرد و ابراز امیدواری نمود که مقالات این سمینار در اسرع وقت در مجموعه‌ای به دو زبان روسی و فارسی منتشر گردد.

مدیر مؤسسه خاورشناسی جمهوری قزاقستان اظهار کرد که بررسی تاریخی، زمینه‌های قابل بررسی در روابط با کشورهای دیگر را ما برای دولت تعریف می‌کنیم. ما پیشنهاداتی به دولت برای تحقیق آرایه می‌کنیم و دولت با بررسی این پیشنهادات، موارد نظر خود را تعیین و به ما اعلام می‌کند.

مؤسسه ما وابسته به وزارت علوم و آموزش است. ولی ما در واقع منبع مالی برای خود در اختیار داریم و از آن استفاده می‌کنیم. این اواخر دولت و رییس جمهور توجه خاصی به پژوهش‌های علمی دارند و شرایط مناسب‌تری فراهم شده است. در حال حاضر تهدیداتی برای کشورهای منطقه وجود دارد و ما در این رابطه سعی می‌کنیم ضمن بررسی تاریخی موضوعات، چشم‌اندازهای روابط با کشورهای مختلف را هم پیش‌بینی می‌کنیم. در این رابطه فکر می‌کنم گفت و شنود علمی و دوراز غرض باعث همکاری و نزدیکی ملل خواهد شد. من خوشحالم که آقای نظراهار در اینجا حضور دارند و امیدوارم که توافقنامه‌ای هم میان دو مرکز امضا شود تا همکاری‌های علمی دو کشور شکل منظم‌تر و بهتری به خود بگیرد. موضوع مهم «تأثیر متقابل ایران و اقوام صحرائشین ترک» موضوعی بسیار مهم است و می‌تواند مورد بحث و کار بیشتری قرار بگیرد. ما در این رابطه با سفیر محترم جمهوری اسلامی ایران هم صحبت کرده‌ایم و این برنامه

پژوهشی مشترک قابل اجراست. در چارچوب این پژوهشها ما می‌توانیم مجله‌ای هم تأسیس کنیم تا نتایج این کارهای علمی در اختیار علاقمندان قرار بگیرد. این پیشنهاد مشخص ماست و امیدواریم که عملی شود. همکاری میان ما و تلاش برای آرایه واقعیتها برای مقابله با دروغ‌پراکنی‌های دشمنان کاملاً ضروری به نظر می‌رسد.

اکنون کره‌ای‌ها ۱۰ سال است به ۳۰ نفر حقوق می‌دهند تا برای آنها در منطقه کارهای پژوهشی انجام دهند. ترکیه و عربستان سعودی هم سرمایه‌گذاری زیادی در این منطقه کرده‌اند و این اهمیت و ضرورت سرمایه‌گذاری کشوری چون ایران، با سابقه طولانی در منطقه، را بیشتر نمایان می‌کند.

نظر آهاری: سابقه کارهای مشترک ما نشان می‌دهد که فضای این همکاری‌ها به وجود آمده است و حالا ما تصمیم داریم که این برنامه‌ها تداوم پیدا کند. این طرح در برنامه‌های گذشته گنجانده شده بود و اکنون لازم است که با همکاری سفارت ما و این انستیتو طرح مشخص این موضوع تهیه شود تا ما موافقت‌های لازم با آن را اخذ نماییم.

ابوسعیدوا: از قرون وسطی میان خانان قزاق و پادشاهان ایرانی ارتباطات سیاسی وجود داشته و حتماً برخی از این مکاتبات در مرکز شما هم وجود دارد و ما باید برنامه‌هایی برای تبادل محققین دو طرف طراحی کنیم تا از اسناد شما استفاده کنند. همچنین امیدوارم زمینه‌ای فراهم شود تا دانشجویان و علاقمندان زبان فارسی قزاقستان، معلومات خود در آموزش زبان فارسی را در ایران افزایش دهند.

نظر آهاری: ما می‌توانیم با مراکز مرتبط با موضوع آموزش زبان فارسی مکاتبه کرده و زمینه این کار را آماده کنیم. در زمینه استفاده از اسناد هم ما کاملاً برای همکاری آماده هستیم. مروارید: با توجه به این که ما کشور پویایی هستیم و به‌رغم علاقمندی دولتمردان ما، از نظر مالی توانایی چندانی نداریم و امیدواریم منبع مالی این کار از طرف ایران تقبل شود.

نظر آهاری: بنده این موضوع را به آقای معیری معاون وزارت امور خارجه در امور پژوهشی، نیز منعکس خواهم کرد و امیدوارم این طرح عملی شود و خوشحال خواهیم شد که این کار انجام شود.

جلسه دوم کنفرانس رأس ساعت ۱۴ به ریاست آقای دکتر نظرآهاری آغاز شد.

یرمخانوف اولین سخنران این جلسه بود که در مقاله خود با نام «روابط متقابل نادرشاه و ابوالخیرخان» به بررسی روابط تاریخی ایران و قزاقستان و نقش زبان فارسی در تاریخ دشت قبچاق پرداخت و با تکیه بر کتاب «مهمان نامه بخارا» (۱۵۰۹ م) مطالبی در خصوص نقش ایران در رشد قزاق‌ها ارایه کرد.

محمد جواد امیدوارنیا، پژوهشگر برجسته مسایل چین و آسیای مرکزی، سخنران بعدی بود که در مقاله خود با نام «نقش دشت قبچاق در گفتگوی فرهنگهای شرق و غرب آسیا» ضمن اشاره به تاریخ روابط دو ملت ایران و قزاقستان، به اهمیت نزدیکی و گسترش روابط میان دو کشور در زمان کنونی پرداخت. وی گفت: از مسیرالشن تا مناطق شرقی سین‌کیانگ و استان گانسو در چین و همچنین از پامیر و غرب آسیا، مجموعه‌هایی از انسانهای ساکن شرق مدیترانه کشف شده و این نشان می‌دهد که راه شمالی جاده ابریشم از تاشکند تا این منطقه بوده و از اینجا یک مسیر به چین و مسیر دیگر به مسکو می‌رفته است.

در دشت قبچاق یک حکومت قدرتمند و متمرکز وجود نداشت، بلکه چند قدرت و حاکمیت کوچک بود و در بیشتر اوقات ایرانیان از مردم این منطقه به خوبی یاد کرده‌اند. قوم قزاق مردمی هستند که ایرانیان همیشه آنها را دوست داشته‌اند.

نقش دشت قبچاق در تعامل فرهنگهای شرق و غرب آسیا بسیار قابل توجه و در محورهای زیر بوده است:

۱. گسترش اندیشه‌های عارفانه اسلامی و ایرانی به مناطق آسیای مرکزی و چین: نقش‌بندی، قدریه و کبرویه از این مناطق به چین رفته‌اند.
۲. انتشار زبان فارسی در ایالت سین‌کیانگ چین که از دو طریق بوده: جاده جنوب دشت قبچاق از اوش به کاشغر و دیگر از الشن به ارومچی.
۳. انتقال علوم و فنون و هنرها از این منطقه: ویژگی‌های مختلف معماری و ۱۲ مقام موسیقی و نقاشی از این مناطق منتقل شده.

۴. انتقال اسبهای اصیل، ظروف شیشه‌ای، پشم، دارو و ... از این مناطق به چین صورت گرفته و از چین هم فنونی چون نگهداری کرم ابریشم، بافندگی به ایران وارد می‌شده است. خط آهن دریای زرد - ارومچی - الشن - آلماتی می‌تواند به جنوب و ایران بپیوندد و

استفاده از امکانات موجود در دو کشور را فراهم کند:

۱. کالا با هزینه کم از قزاقستان به ایران منتقل شود.
۲. کوتاهترین راه دسترسی قزاقستان به آبهای آزاد از طریق ایران است.
۳. در آینده اقتصاد قزاقستان روی تولید و انتقال نفت و گاز تکیه خواهد داشت و مسیر این لوله‌ها می‌تواند از طریق ایران باشد.
۴. ایران نیز می‌تواند کالا و خدمات خود را در اوقات بحرانی خلیج فارس از این طریق به شرق بفرستد.

۵. چینی‌ها در سالهای گذشته سیاستی برای بازسازی مناطق شرقی خود در پیش گرفته‌اند و ایران و قزاقستان می‌توانند در این مورد سرمایه‌گذاری مشترک داشته باشند. خانم پاولوا کونستانتینووا پژوهشگران مرکز شرقشناسی سنت پترزبورگ که تا حدی به زبان فارسی نیز آشنایی داشت، در مقاله «سیاست خارجی شاه صفی در آسیای مرکزی» به بررسی ابعاد و سیاست سلسله صفویه در ایران و آسیای مرکزی و همچنین تحولات دوران بعد از شاه عباس صفوی در ایران پرداخت.

وی در بخشی از این مقاله گفت: «در سال ۱۶۲۹ شاه صفی به قدرت رسید و سیاست داخلی و خارجی ایران تغییر کرد و ارکان دولت تضعیف شد. از این رو قدرتهای دیگر حوالی ایران به ایران دست‌اندازی کردند و از جمله قشون شیبان خان از یک ۵ بار به ایران تعرض نمودند. بعد از شاه عباس، در آسیای مرکزی تحولات زیادی به وقوع پیوست و شیبان خان از یک به قدرت رسید. عاشوربیک مامینوف از ازبکستان در مقاله‌ای با عنوان «فعالیت علمای ایران در اردوی طلایی» گفت: میان علمای سمرقند در سده ۸ تا ۱۴ میلادی و علمای اردوی طلایی (قزل‌اورده) ارتباطاتی وجود داشت. در خانان اردوی طلایی جانی بیک خان و توختمش پر قدرت حکومت می‌کردند. شهاب‌الدین مرجانی، از علمای قرن ۱۹ تاتارستان، با اتکا به کتاب ابن عربشاه، به بررسی خانان اردوی طلایی در غازان پرداخته است. به گفته او در پایتخت اردوی طلایی یعنی سرای و سرای جدید (که در قلمرو قباچاق بوده است) نسخ خطی در مورد این موضوع وجود دارد. در این مورد سه عالم بزرگ ایرانی مطالعاتی داشته‌اند: (سیف‌الدین باخرزی: از صوفیان طریقت کبروی و از فقهای مذهب حنفی)، قطب‌الدین رازی و سعدالدین تفتازانی خراسانی.

بعد از حمله مغول مکتب بخارا تضعیف شد و تأثیر علمای خراسان فزونی یافت. منطقه خراسان و ماوراءالنهر فضای فرهنگی یکسانی داشتند. در پایان جلسه دوم نیز بحث و بررسی طولانی میان حضار در گرفت و حاضران به جمع‌بندی و اظهار نظر، در خصوص مقالات مطروحه در دو جلسه امروز پرداختند.

الکساندر قدیربایف، محقق برجسته روس، اولین سخنران روز دوم بود، که در مقاله خود به «نقش منابع ایرانی و منابع چینی در دشت قبچاق و مهاجرت قبچاقها در قرون ۱۱ تا ۱۳م» پرداخت. وی گفت: «از قرن ۱۱ م به بعد در منابع اسلامی و در رأس آن منابع ایرانی، اصطلاحی به نام دشت قبچاق ظاهر می‌شود و این به همت ایرانیان بوده است. از قرن ۱۱ تا ۱۵ این نام یک نام معروف برای دشتهای اوراسیا تلقی می‌شود. این دشت در ابتدا از کوههای آلتای تا رودخانه دونای ادامه داشت. برخی اقوام قبچاقی از مغولستان کنونی به قلمرو کوههای اورال آمدند. قبچاقها اصلاً از میان رودهای ولگا (اتیل) و اورال آمدند که منطقه جیران نامیده می‌شد. به روایت باشقیری، نیاکان قبچاقها، یورمنها بودند که از آلتای می‌آمدند. در اواسط قرن ۱۱ قبچاق‌ها سواحل دریای سیاه را نیز اشغال کردند. در قرون ۱۲ تا ۱۳ کانگلی‌ها مستقل از قبچاقها بودند (ویلیام روبروک ۱۲۵۳) در منابع مختلف خصوصاً فارسی آمده که قبچاقها برای اولین بار در قرن ۱۱ در قلمرو قزاقستان کنونی ظاهر شدند، ولی مفهوم دشت قبچاق از سوی مورخین و مؤلفین ایرانی به این منطقه داده شده است.»

علیرضا خداقلی‌پور، کارشناس اداره کل اسناد و خدمات پژوهشی، سخنران بعدی بود که در مقاله‌ای به نام «مرزهای فرهنگی و جغرافیایی قبچاقها» ضمن اشاره کوتاهی به تاریخچه نامهای متفاوتی که برای منطقه ترکستان مورد استفاده قرار می‌گیرد، به بحث در مورد منشاء و ریشه قبچاقها پرداخت و در مرحله بعد نیز که بسیار مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت، حضور دشت قبچاق را در منابع و نقشه‌های موجود در آرشیو مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در دوره‌های مختلف تاریخی مورد بررسی قرار داد. در بخش پایانی این مقاله نیز در مورد زبان قبچاقها و تأثیر آن از زبان فارسی بحث شد.

نودا، از کشور ژاپن، نیز در مقاله خود با عنوان «روابط متقابل قزاقها با خوانین خیه و دولت نادرشاه» ضمن تقسیم اقوام قزاق به سه گروه بزرگ، میانه و کوچک، نقش ابوالخیرخان،

خان گروه کوچک قزاقها، در به قدرت رسیدن «ایلبرزخان» در خiwه (۱۸۲۸ م) و نوع روابط میان خوانین قزاق و خiwه را مورد بررسی قرار داد و روابط قزاق‌ها با خوانین خiwه در نیمه دوم قرن ۱۸ را متأثر از هجوم جنگاوران ایرانی و جنگرها به دشتهای قزاقها دانست که پس از مرگ نادرشاه افشار و قطع حملات ایرانیان به این مناطق صورت دیگری به خود گرفت.

رحمت رحیم‌زاده مردم‌شناس تاجیک از سنت پطرزبورگ، مقاله‌ای آرایه نکرد و تنها توضیحاتی در مورد موزه مردم‌شناسی سنت پطرزبورگ داد که شامل: ۸۰۰ هزار اثر در مورد انسان‌شناسی و معماری، ۲۰۰ هزار اثر در مورد زندگی مردم اقوام مختلف، ۲ هزار اثر مردم‌شناسی و باستانی اقوام ایرانی، ۴ هزار اثر مردم‌شناسی و باستانی آسیای مرکزی و تعداد زیادی اثر مردم‌شناسی. از اقوام قزاق مانند کمربندهای پهلوانهای قزاق، آلات جنگی قزاقها، چهار لباس عروس و کلاه قرمز (سوکیلی) قزاقی است.

وی گفت: فارنجی، روسری قزاقی، شبیه چادر و حجاب ایران، افغانستان، اعراب و یا این که فلسطین است. با این حال مشخص نیست که مردم آسیای مرکزی قبل از اسلام هم حجاب داشته‌اند یا ورود اسلام حجاب را برای خود انتخاب کرده‌اند.

جانداربیک (استاد دانشگاه بین‌المللی قزاق - ترکی) از قزاقستان سخنران بعدی بود که در مقاله خود با عنوان «منابع کتبی علمای تشیع در خصوص طریقت یسوی» گفت: مطالعه نسبت‌نامه‌ها نشان می‌دهد که نقش خواجهگان در این طریقت بسیار زیاد بوده است. در مقابل سرچشمه‌های حنفی و شافعی، منابع این طریقت منابع اهل شیعه هستند و به کایسنی‌ها و بایزیدی‌ها می‌رسند.

جنبش کایسنی‌ها به رهبری ابومسلم خراسانی دست خلافت اموی را از قدرت کوتاه کرد و به کمک آنها خلفای عباسی به قدرت رسیدند، ولی بعد کایسنی‌ها را کنار زدند و ابومسلم خراسانی کشته شد. بسیاری از کایسنی‌ها به رهبری اسحاق باب (اسحاق ترک) به ترکستان رفتند. در نیمه دوم قرن ۸ کایسنی‌ها و مبیضه‌ها (سپیدجامگان) به این منطقه آمدند. نماینده مبیضه‌های شهر آترا، ابونصر فارابی، پژوهشی انجام داد که بعدها در فرقه یسویه توسعه یافت. در واقع تشیع توسط سیده‌ها که از نسل امام محمد حنفی بودند، به این منطقه آمدند و نسل خود شیخ احمد یسوی هم به امام محمد حنفی می‌رسد. پیروان امام جعفر صادق بر طریقت یسوی

تأثیر عمیقی گذاشتند. الهام بخشی اصلی طریقت یسوی، فرقه اسماعیلیه بوده است». با پایان سخنرانی‌های جلسه سوم، حاضران به بحث و بررسی در مورد مقالات ارایه شده پرداختند.

کومس بایف، رییس کرسی زبان فارسی در دانشگاه فارابی، اولین سخنران جلسه چهارم بود. وی که پژوهش‌های مختلفی در زمینه ادبیات ایران داشته، دو کتاب به نامهای «روابط ادبی فارسی - عربی و قزاقی» و «تاریخ ادبیات ایران» به زبان قزاقی منتشر کرده و هم اکنون در حال نگارش تذکره ادبیات فارسی برای ایرانشناسان است.

کومس بایف در مقاله خود با نام «روابط ادبی ایران و اقوام قزاق در قرون ۱۷ و ۱۸» گفت: تأثیر ادبیات فارسی بر زبان قزاقی از دورانهای قدیم وجود داشته است و تنها مربوط به اعصار اخیر نیست. عارض ملایک ترجمه قزاقی از شاهنامه در اردوی زرین (قرل آورده) انجام داده است. مشابه شاهنامه در آثار قزاقی در آلمامیس و قوبلانده باتر وجود دارد و قهرمان آلمامیس با رستم مقایسه می‌شود. آلمامیس و قوبلانده باتر پهلوانان افسانه‌ای قزاق هستند. ضمن این که شاه کریم نیز دیوان حافظ را به زبان قزاقی ترجمه کرده است. وی روابط ادبی دو ملت را بسیار عمیق خواند و از محققین جوان نیز دعوت کرد در زمینه بررسی این روابط با او همکاری نمایند. ماکسات از قزاقستان در مقاله «شجره‌نامه‌ها - ساختار قومی ترکی - مغولی در آثار رشیدالدین» گفت: ریشه کلمه شجره‌نامه از زبان آلتایی است و به معنای خاطره و یادمان است. در زبان مغول «شاسر» به معنای داستان است. در قرن ۱۹ همراه با آغاز کتابت شجره‌نامه‌ها در این منطقه، تعدادی از محققین مانند مشکوریوسب، قربانقلی و شاه کریم خدای وردیف شروع به نوشتن خاطرات شفاهی مردم کردند. قرقیزها چنگیز را آلتین‌خان و قزاقها او را آلتین بیرخان می‌نامند. وی با اشاره به افسانه‌های موجود میان مردم این منطقه در مورد تولد و زندگی چنگیز، گفت: مغولها خاندان چنگیز را اسرارآمیز و مقدس می‌دانند.

بیگوزین از قزاقستان سخنران بعدی بود که در مقاله‌ای با نام «طریقت نقشبندیه در آسیای مرکزی از قرن ۱۴ تا ۱۶ م.» گفت: بنیانگذار تئوری و تجربی این طریقت عبدالخالق غجدوانی است و خواجه نقشبندیه تنها سنت ذکر را که از عبدالخالق آموخته بود، زنده کرد. اعتبار شیخان نقشبندی در میان نجیب‌زادگان و مردم عادی بسیار زیاد بوده است و البته نباید

فراموش کرد که بزرگان این طریقت از فنودالها و زمینداران بزرگ بوده‌اند. بعدها در قرن ۱۶ خان سیبری، کوچون شیخ و مریدان نقشبندی را به بخارا خواند.

اوسکن‌بای، محقق جوان قزاقستانی، نیز مقاله کوتاهی با نام «فرزندان جوچی در دشت قبچاق و روابط آنها با اخلاف هلاکو» ارائه کرد و گفت: همکاری ایران در زمان ارغون‌خان، احمد تگدار و غازان‌خان با فرزندان جوچی در انتشار اسلام در این منطقه بسیار مفید بوده است. اگر قبلاً پنداشته می‌شد که از طریق ازبکان اسلام انتشار یافته، ولی مهمترین منبع انتشار اسلام در این منطقه، ایران دوران هلاکو بوده است.

آتگایف از قزاقستان نیز در مقاله‌ای با عنوان «روابط متقابل خانات قزاق و دولت صفوی در قرن ۱۶» گفت: رابطه میان خوانین قزاقی و ایران دوره صفوی از اوایل قرن شانزدهم آغاز شده است و این مناسبات نشیب و فراز زیادی داشته و به اوضاع این دو کشور بستگی داشته، اگرچه در ابتدای این قرن شاهان صفوی با خوانین قزاق رقیب بودند.

اما در پایان این قرن طرفین تلاش کردند که با هم متحد شوند. در پایان سخنرانی‌ها، حضار به مدت یک ساعت به بحث و بررسی در مورد مقالات ارائه شده پرداختند و مباحثی چون حمله مغولها به منطقه و تأثیر آن بر فرهنگ و تاریخ منطقه را مطرح کردند. این جلسه رأس ساعت ۱۷ پایان یافت.

مراسم اختتامیه

کنفرانس رأس ساعت ۱۷:۳۰ روز چهارشنبه ۸۱/۱۲/۲۱ با حضور سفیر محترم جمهوری اسلامی ایران در آلمانی، اعضای هیأت ایرانی، مروارید ابوسعیدوا، مدیر انستیتو خاورشناسی قزاقستان، و کلیه شرکت‌کنندگان در کنفرانس در محل آکادمی علوم قزاقستان آغاز شد. در ابتدای این مراسم، اساتید حاضر به جمع‌بندی جلسات مختلف پرداختند.

کومیکوف: کنفرانس از چند جهت بسیار جالب بود: رابطه تاریخی ایران و دشت قبچاق موضوعی بسیار جدی است که باید به آن جدی بیندیشیم. در قزاقستان در بخش علوم تاریخی تمایل تازه‌ای ایجاد شده که قبچاق‌شناسی است. اگرچند دهه قبل ما قبچاق‌شناسی را تنها با تاریخ خود آنها مربوط می‌دانستیم، در حال حاضر قبچاق‌شناسی سه شاخه دارد: تاریخ کیماکها،

تاریخ کومانها. که تا اواخر آنها را قبچاق می دانستند و قبچاقها.

در برخی از مقالات گفته شد که در قلمرو قبچاق ساختار دولتی بسیار ضعیف بوده است. در قرن ۱۱ و ۱۲ میلادی خانان قبچاق ایجاد شده بود. قبچاقها وارث کیماکها بودند. اما هم اکنون نه در شرق و نه در غرب کسی به این موضوع شکی ندارد که کیماکها دولت نیرومندی بودند. حدود ۱۰ سال پیش پیتر گلدن، ترک شناس آمریکا، نیز به این نتیجه رسید. این جنبه‌ها در کنفرانس امروز عنوان شد. باید یادآور شد برای پژوهش جدی در این موضوع منابع اسلامی بسیار مهم هستند، چنانکه اهمیت منابع دیگر را نیز نباید فراموش کرد و نقش منابع ایرانی نیز در پژوهش تاریخ و فرهنگی قبچاقها بسیار مهم است. دشت قبچاق یک مفهوم تاریخی و جغرافیایی است. در این تاریخ چندین دولت وجود داشته‌اند.

مطالب این کنفرانس سؤالات جدیدی ایجاد کرد که نشان می‌دهد این آغاز کار است و حل و فصل سؤالات جدید به استفاده از منابع مستند و مستدل مرتبط است که در میان این منابع، منابع فارسی بسیار اهمیت دارند. در این جلسات ۹ گزارش جدی وجود داشت که ۴ مورد از آنها به قبچاقها مربوط بود و جالب است که در آغاز سال جاری در قزاقستان مرکز قبچاق شناسی نیز تشکیل شده و با وجود مرکز ایران شناسی و زبان فارسی دورنمای خوبی برای آینده قابل تصور خواهد بود.

نتیجه این همایش ثابت می‌کند که راهی که ما در پیش گرفته‌ایم، راه درستی است. در این مقالات مطالبی چون انتشار اسلام، جایگاه علمای مذهبی در دشت قبچاق و تأثیر متقابل فرهنگ ایران و دشت قبچاق مطرح شد.

خانم پاولوا: در جلسه سوم، ما سه گزارش جالب شنیدیم. دو گزارش جالب از روس‌ها و ژاپنی‌ها و مقاله آقای خدایلی پور از ایران. این کنفرانس این مقالات را بسیار جالب تلقی می‌کند. اگر دشت قبچاق را در مرکز در نظر بگیریم، از جنوب اندیشه ایرانی‌ها را شنیدیم، از شرق نماینده ژاپن و از شمال نماینده روس‌ها. این مقالات مورد توجه قرار گرفت و با علاقمندی استماع شد. حتی گزارش آقای رحیم زاده از موزه آکادمی علوم روسیه در سنت پترزبورگ بسیار جالب بود. ما امیدواریم در همایشهای بعدی علمای بیشتری از ایران را ملاقات کنیم.

مؤمن اف: جلسه چهارم وقت زیادی نداشت، ولی من خوشحالم که ما در این جلسه هم

مقالات جالب گوش کردیم. بحث تقدیس حکومت در ایران و دشت قبچاق مباحثی است که نیاز به متدهای جدیدی دارد. من هم از نتیجه این کنفرانس که در سطح بسیار بالایی برگزار شد، خوشحالم.

ابوسعیدوا: روز اول نیز روز مهمی بود. در جلسه اول مراسم افتتاحیه و ۵ گزارش علمی ارایه شد. جغرافیای شرکت‌کنندگان در این همایش وسعت زیادی را دربر می‌گرفت. در آغاز، در نظر داشتیم تنها از نمایندگان ایران و کشورهای آسیای مرکزی دعوت کنیم، ولی در روند آماده‌سازی این همایش تصمیم گرفتیم که دیگران را نیز دعوت کنیم. از جمله علمای روس، سفیر ارمنستان و آقای نودا از ژاپن. در نهایت فکر می‌کنم همایش ما نه تنها از جهت محتوا، بلکه از نظر تعداد شرکت‌کنندگان نیز سطح بالایی داشت.

در جلسه اول گزارش آقای شجاعی، آقای فولاد کومیکوف (رئیس مرکز قبچاق شناسی) که در مقاله خود تاریخ استفاده از قبچاق را پرداخته بود - آقای خورشیدیان، خانم حافظ اوا (رییس مرکز مطالعات استراتژیک و روابط بین‌المللی دانشگاه خصوصی قاینار) و خانم منفرد را شنیدیم که گویای اندیشه زنان ایرانی در مورد زنان قبچاق بود. در مباحث علمی طبیعی است که علما اندیشه‌های مختلفی داشته باشند و این تضارب آرا بسیار مهم و جالب بود. مجدداً از همه شرکت‌کنندگان به خاطر مقالات پربارشان تشکر می‌کنم و امیدوار هستیم مطالب این کنفرانس بزودی منتشر شود.

آقای صفاری در خصوص ایده خانم ابوسعیدوا در مورد برگزاری یک کنفرانس سراسری میان ایران و اقوام ترک گفت: من هم موافقم. البته ۲ سال پیش سمیناری در آن موضوع با عنوان «دنیای ایرانی و توران» برگزار کردیم که سه نفر از قزاقستان هم در آن شرکت داشتند. من فکر می‌کنم الان فرصت خوبی است که پس از دو سال در مورد برگزاری دور دوم این سمینار هم توافق شود. امیدواریم در آینده هم این ارتباطات پایدار بماند و شاهد تعامل علمای منطقه با ایران باشیم.

نظر آهاری: من هم تشکر می‌کنم از مطالبی که در این دو روز در اینجا بیان شد. واقعاً مطالب مفیدی بود. در ابتدا که ایده برگزاری این کنفرانس مطرح شد، چون کار نویی بود، موفقیت آن مورد تردید بود. اما برآورد من از سمینار این بود که سمینار خیلی موفق بود و حداکثر

موضوعات مهم قابل طرح در این موضوع، در سمینار ارایه شد. از تحولات حکومتی، از حدو مرز جغرافیایی و فرهنگی، لباس مردم، از نحوه گسترش اسلام در منطقه، نحوه مهاجرت اقوام اوراسیا و ... بحث شد و به‌نظرم باید در گزارش این سمینار هریک از این موضوعات جداگانه مطرح شود، چرا که هریک از این موضوعات می‌تواند موضوع برگزاری سمینارهای دیگری باشد.

در پایان جلسه اختتامیه کنفرانس، یک جلد «قرآن منظوم» (تألیف امید مجد) و یک جلد «کلیات شمس تبریزی» از سوی هیأت ایرانی به خانم مروارید ابوسعیدوا، مدیر انستیتو خاورشناسی قزاقستان اهدا گردید.

گفتنی است که انستیتو خاورشناسی جمهوری قزاقستان با بخشهای مختلف پژوهشی، تحقیقات مهم و ارزنده‌ای در تاریخ منطقه انجام داده و منتشر کرده است و یک مرکز پویا و قوی به‌نظر می‌رسد. تعدادی از کتب منتشر شده از سوی مدیران انستیتو به هیأت ایرانی اهدا و برای ترجمه پیشنهاد گردید.

به‌رغم سرمایه‌گذاری کلان برخی کشورها در این جمهوری و منطقه آسیای مرکزی در مسایل مختلف از جمله امور پژوهشی و علمی، هنوز بیشترین توجه مسئولین این کشور متوجه جمهوری اسلامی ایران است.

علیرضا خداقلی پور

اداره کل اسناد و خدمات پژوهشی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی